

مقاله پژوهشی

سیاست هند در مواجهه با ظهور هژمونی چین

جواد شفقت‌نیاآباد^۱، رضا اختیاری امیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

چکیده: از آنجا که چین با ایجاد نظم نوین اقتصادی و گسترش حوزه سیاسی و امنیتی، به دنبال معرفی خود به عنوان یک هژمون منطقه‌ای و یک قدرت تاثیرگذار جهانی است، هند در پی آن است که با اتخاذ سیاست‌های گوناگون، منافع و رفتار تفوق‌جویانه چین را با چالش مواجه کند. این در حالی است که دستاوردهای دولت مودی در سیاست خارجی، هند را به قدرتی بزرگ و تاثیرگذار در منطقه و نظام بین‌الملل تبدیل کرده است. با در نظر گرفتن این ملاحظات این سوال مطرح می‌شود که هند به ویژه دولت مودی جهت مقابله با هژمونی چین چه سیاست‌هایی را در دستور کار سیاست خارجی قرار داده است؟ فرضیه بر این مبنا قرار گرفته است که هند از طریق سیاست‌هایی نظیر عدم تعهد، عمل به شرق، نخست همسایگی و چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، چالش‌ها و محدودیت‌هایی را در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برای هژمونی چین ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: هند، دولت مودی، چین، هژمونی، نظام بین‌الملل

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

رقابت میان بازیگران نوظهور از جمله ویژگی‌های دوران گذار در روابط بین‌الملل می‌باشد؛ دورانی که تعدد بازیگران تاثیرگذار از ویژگی‌های اصلی آن محسوب می‌شود. به عبارتی اگرچه پس از پایان جنگ سرد، رقابت میان بازیگران با وجود یکجانبه‌گرایی آمریکا، همواره امر مسلم نظام بین‌الملل بوده؛ اما در قرن حاضر، به دلیل کاهش تدریجی نفوذ آمریکا و ظهور بازیگران جدید، نظام بین‌الملل شکل جدیدی به خود گرفته است. در این میان هند و چین با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های داخلی خود از مهم‌ترین و قدرتمندترین کشورهای آسیا و در نقش دو قدرت نوظهور، اثرگذاری غیر قابل انکاری در شکل دهی به نظم جدید جهانی دارند. با این حال دو کشور هند و چین رقبای سنتی در منطقه جنوب و جنوب‌شرقی آسیا محسوب می‌شوند که همین موضوع اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه را دو چندان کرده است. اقدامات و سیاست‌های چین طی دهه‌های گذشته جهت افزایش نفوذ و هژمونی خود در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر ایجاد منطقه آزاد تجاری در جنوب آسیا و هم‌چنین «ابتکار یک کمربند- یک راه» سبب نگرانی سیاست‌مداران هند شده که واکنش آن‌ها را نیز به همراه داشته است؛ چرا که از نگاه آن‌ها این سیاست‌ها و طرح‌ها تلاشی جهت تسلط اقتصادی و گسترش نفوذ سیاسی، امنیتی و هژمونی پکن در منطقه و نظام بین‌الملل می‌باشد که می‌تواند نظم نوین اقتصادی، سیاسی و نظامی منطقه را در راستای منافع چین و به ضرر هند تغییر داده و در نهایت منافع و سلطه سنتی دهلی نو را به ویژه در کشورهای همسایه و منطقه شبه قاره با چالش جدی مواجه سازد.

در حقیقت هند با بیش از یک میلیارد جمعیت و توان اقتصادی و نظامی بالا در تلاش است که از یک سو بتواند به بازیگری موثر در سطح منطقه تبدیل شده و از سوی دیگر در سطح بین‌المللی نیز چهره یک بازیگر تاثیرگذار را از خود به نمایش بگذارد. به طور کلی چشم‌انداز سیاست هند را می‌توان تابعی از منافع و اهداف ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن و معرفی خود به عنوان قدرت بین‌المللی تفسیر کرد. از این رو دهلی تلاش‌های گوناگونی را در راستای توسعه استراتژی‌های نفوذ و ایجاد بازدارندگی علیه چین انجام داده است. در همین زمینه، به قدرت رسیدن نارندا مودی به عنوان رهبر مقتدر و ملی‌گرای هند روابط دهلی نو و پکن را نسبت به سال‌های گذشته متمایز کرده و هند را به سمت تأمین حداکثری منافع و تحدید منافع چین سوق داده است؛ هرچند هم‌زمان شاهد همکاری‌های گوناگون بین دو کشور نیز هستیم.

با توجه به انگاره‌های یاد شده سوال پژوهش این گونه مطرح می‌گردد که هند و به طور خاص دولت مودی جهت مقابله با هژمونی چین چه سیاست‌هایی را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است؟ فرضیه بر این مبنا قرار گرفته است که هند از طریق سیاست‌هایی نظیر عدم تعهد، عمل به شرق، نخست همسایگی و چندجانبه گرایی در نظام بین‌الملل، چالش‌هایی را در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برای هژمونی چین به وجود آورده است. روش تحقیق در این مقاله کیفی و بر مبنای رویکرد تحلیلی- تبیینی می‌باشد. داده‌های این پژوهش نیز کیفی بوده که از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استخراج شده است. هم‌چنین به منظور تحلیل علمی و تئوریک مسئله پژوهش از نظریه موازنه قوای کنت والتز بهره گرفته شده است. بر خلاف اهمیت رو به فزونی منطقه جنوب و جنوب‌شرق آسیا در تحولات بین‌المللی اخیر، کار پژوهشی قابل توجهی در رابطه با سیاست‌های هند در مواجهه با هژمونی منطقه‌ای چین انجام نگرفته است. اگرچه آثاری درخصوص رقابت هند و چین و نگرانی‌های دهلی‌نو با نگاه تک بعدی به رشته تحریر درآمده ولی هیچ کدام از آن‌ها ابعاد گوناگون سیاست‌های هند را مورد واکاوی قرار نداده است. از این رو پژوهش حاضر نگاه تک‌بعدی به موضوع نداشته و سعی کرده است به مهم‌ترین سیاست‌های هند در مواجهه با قدرت هژمونیک چین بپردازد.

۱. چارچوب نظری؛ موازنه قوا

برخی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، نظریه موازنه قوا را موثرترین نظریه برای تبیین تحولات بین‌الملل دانسته‌اند. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان موازنه قوا، کنت والتز می‌باشد. از نظر والتز، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل باعث شده است که دولت‌ها به دلیل فقدان مرجع اقتدار مرکزی، به سمت امنیت‌جویی سوق پیدا کنند. لذا دولت‌ها به دنبال تامین امنیت هستند که نتیجه آن خودیاری است. از این رو همکاری در روابط بین‌الملل به دلیل بدبین بودن دولت‌ها به هم دشوار است (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۲۴). از نظر وی موازنه قوا فقط در دو شرط برآورده می‌شود؛ آنارشیک بودن نظام بین‌الملل و دیگری تمایل به بقا واحدهای تشکیل دهنده نظام (Sheehan, 2005: 78).

والتز معتقد است ترس از هژمونی یک قدرت، دولت‌ها را تحریک می‌کند تا به شیوه‌هایی رفتار کنند که به سمت ایجاد موازنه قوا تمایل پیدا کنند. او استدلال می‌کند موازنه قوا راهبردی نیست که دولت‌ها باید دنبال کنند، بلکه پاسخی است به فشارهای سیستمی، چه هدف دولت، آگاهانه برقراری

توازن قوا باشد یا نه (Waltz, 1979: 118-119). در همین رابطه والتز در رئالیسم ساختاری خود بیان می‌کند که امنیت و بقای دولت‌ها در گرو تلاش برای جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت است. وی بر این نکته تأکید دارد که انباشت قدرت و «میل به هژمونی» به طور منطقی به موازنه ختم می‌شود. از نظر والتز دولت‌های ضعیف هیچ گاه نمی‌توانند به این قطعیت و یقین برسند که دولت قوی‌تر از قدرتش برای تجاوز و نقض حاکمیت آن‌ها استفاده نکند و یا تهدیدی برای بقا و امنیت آن‌ها نباشد.

نظریه موازنه قوا به لحاظ مفهومی بر مبنای دو گزاره بنیادین قوام گرفته است: نخست این که تمرکز قدرت در هر بازیگری اساساً کاهش ضریب امنیتی دیگر بازیگران را موجب خواهد شد؛ دوم، این که در یک نظم آنارشیک بین‌المللی، دولت‌ها برای بقا و افزایش امنیت خود مجبور به مقابله با تمرکز قدرت در نظام بین‌الملل هستند. زمانی که یک قدرت بزرگ نشانه‌هایی از تلاش برای تسلط بر نظام بین‌الملل را بروز می‌دهد، دیگر قدرت‌های بزرگ با یکدیگر متحد می‌شوند تا از این طریق ضمن مقابله با تمایلات هژمونیک در سیستم، بقا و استقلال خود را نیز حفظ کنند (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۲-۲۳۱). والتز اصرار دارد که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل ضمن محدودیت در میزان همکاری در سطوح مختلف، دولت‌ها را به دنبال سود نسبی سوق می‌دهد (Griffiths, 1992: 83).

به اعتقاد والتز دولت‌ها در محیط آنارشیک بین‌الملل، به سیاست همراهی و دنباله‌روی روی نمی‌آورند بلکه به ایجاد توازن قوا گرایش دارند. زیرا دنباله‌روی از قدرت دیگران به ویژه قدرت‌های هژمونی، همواره یک تهدید است. لذا دولت‌ها با اتخاذ موازنه قوا به دنبال کاهش مخاطرات و تهدیدات هستند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹). البته از نظر والتز توازن قوا، جهانی و فراگیر نیست. برقراری یا عدم توازن به تصمیمات دولت‌ها بستگی دارد. از نظر وی دولت‌ها در نادیده گرفتن الزامات قدرت آزادند اما باید انتظار داشته باشند که برای این کار هزینه‌ایی را باید بپردازند (Eilstrup Sangiovanni, 2009: 354). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و عدم شکل‌گیری ائتلاف موازنه‌ساز علیه آمریکا، تردیدهایی را برای نظریه والتز به وجود آورد. والتز در پاسخ به وضعیت تک قطبی معتقد است که چنین وضعیتی از کمترین ماندگاری در نظام بین‌الملل برخوردار است و امکان توازن مجدد در نظام بین‌الملل وجود دارد (Waltz, 2000: 27).

از منظر والتز نظام تک قطبی به دو علت ناپایدار است؛ اولاً وظایف مختلف و متعدد قدرت‌های

مسلط در ورای مرزهای خود باعث تضعیف قدرت آن‌ها در طولانی مدت می‌شود. ثانیاً به دلیل این‌که دولت‌ها نسبت به رفتار دولت‌های قدرتمند احساس خطر می‌کنند حتی اگر رفتار آن‌ها با مدارا و ملایمت باشد (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۶۷). در مجموع والتز معتقد است که ایجاد توازن مجدد در نظام بین‌الملل امکان‌پذیر است و نظام بین‌الملل را مبتنی بر آنارشی، خودیاری و گرایش به موازنه ترسیم می‌کند. دولت‌ها با افزایش توانمندی‌های خود در برابر قدرت مسلط در منطقه و نظام بین‌الملل موازنه ایجاد می‌کنند.

با توجه به مفروضات فوق به طور کلی می‌توان بیان داشت، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و رقابت دو کشور هند و چین آن‌ها را به موازنه‌سازی در برابر تهدیدات و قدرت یکدیگر واداشته است. اگر بنا را بر فهم روابط از منظر والتز قرار دهیم، افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی چین موجب تغییر توازن قوا به زیان هند خواهد شد. از این رو هند به منظور موازنه سازی در برابر قدرت فزاینده و تهدیدات چین، توانمندسازی درونی و هم‌چنین توسعه روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را، در چارچوب ائتلاف‌سازی، مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر، رقابت هند و چین برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای، زمینه سیاست موازنه سازی از سوی این بازیگران و حتی بازیگران فرامنطقه‌ای را فراهم آورده تا مانع از ظهور هژمون منطقه‌ای شوند. اهمیت موازنه قوا و توازن سازی در منطقه به حدی است که هر زمان توازن منطقه تغییر می‌کند زمینه برای به وجود آمدن تقابل و منازعه فراهم می‌شود. اما واقعیت این است که رویکرد هند برای توازن قدرت در منطقه، چالش‌هایی را برای پیشبرد هژمونی چین در منطقه و نظام بین‌الملل ایجاد کرده و سبب شده است تا پکن در جهت دستیابی به اهداف خود با دشواری‌هایی مواجه گردد.

۲. سیاست هژمون‌گرایانه چین در منطقه و نظام بین‌الملل

چین با برخورداری از یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر جمعیت، رشد اقتصادی بالا، توان تسلیحاتی و نظامی پیشرفته، موقعیت ژئوپلیتیک و هویت تمدنی بزرگ، هژمون‌گرایی و توسعه‌طلبی در منطقه و نظام بین‌الملل را در دستور کار خود قرار داده است. سیاست اقتصاد باز در دهه ۱۹۷۰ نقطه عطف قدرت‌نمایی چین در عرصه بین‌الملل بود. سیاستی که چین را از نظر واردات و صادرات به بازیگری مهم در تجارت بین‌الملل تبدیل کرد و با پیوستن به سازمان تجارت جهانی و دسترسی به بازار ۱۶۰ شریک تجاری، تحول عظیمی در روابط اقتصادی و تجاری چین به وجود آورد (کمالی

اردکانی، ۱۴۰۰: ۷۰۳).

با ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی، این کشور برای توسعه طلبی و نفوذ ژئوپلیتیک خود، پروژه یک کمربند- یک راه را در دستورکار قرار داد. پروژه‌ای که شی جین پینگ در سپتامبر ۲۰۱۳ در یک سخنرانی در دانشگاه نظر بایف قزاقستان از مولفه زمینی آن با عنوان کمربند اقتصادی راه ابریشم رونمایی کرد. یک ماه بعد در سخنرانی پارلمان اندونزی راه ابریشم دریایی قرن بیست و یکم را تشریح کرد (Rolland, 2017: 128). چین به واسطه پروژه یک کمربند- یک راه فرصت‌هایی را برای توسعه طلبی خود در منطقه و نظام بین‌الملل به وجود آورد. در این راستا مهم‌ترین اقدام چین، ایجاد صندوق راه ابریشم، بانک صادرات و واردات چین، بانک توسعه چین و بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا است که به یک رقیب جدی برای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک توسعه آسیا به رهبری آمریکا تبدیل شده است (Ohashi, 2018: 92). در همین زمینه، انگلستان اولین کشور غربی بود که به عضویت بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا درآمد. این بانک‌ها توانسته‌اند قدرت ژئواکونومیک چین را توسعه دهند، به این معنی که، اکنون چین به بزرگترین شریک تجاری و اقتصادی برای اکثر بازیگران منطقه به ویژه آسیا تبدیل شده است (Yu, 2017: 355-361).

از طرف دیگر پکن از طریق نهادسازی مالی به دنبال اصلاح نظام پولی جهان و بین‌المللی‌سازی یوآن چین است. پکن با موافقت‌نامه‌های چندجانبه مالی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اوراق قرضه بین‌المللی و وام‌های مبتنی بر یوآن، تلاش می‌کند یوآن را به یک ارز بین‌المللی تبدیل کند. به طوری که در سال‌های اخیر تسویه حساب‌های تجارت چین از طریق یوآن در حال افزایش است (Ohashi, 2018: 92). در همین ارتباط، نفوذ اقتصادی و دستیابی به بازار کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل به ویژه در حوزه انرژی مهم‌ترین هدف چین در پروژه یک کمربند- یک راه است. ابتکار راه ابریشم، سهم و تجارت چین با کشورهای آسیای مرکزی را توسعه داده است. چین به مهم‌ترین خریدار انرژی و منبع تامین مالی طرح‌های نفت و گاز منطقه آسیای مرکزی تبدیل شده است (کاوه و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۲). از طرفی پکن در صدد است که در این مناطق، کشورها براساس هنجارها و استانداردهای چینی همکاری کنند، از این رو نهادهای سازی پروژه یک کمربند- یک راه از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با رهبری چین، اولویت دستگاه دیپلماسی پکن قرار گرفت. در این راستا مجمع همکاری چین و کشورهای عرب، سازمان همکاری شانگهای، سازوکار همکاری چین و آسه‌آن،

همکاری‌های اقتصادی زیرمنطقه‌ای منطقه بزرگ مکونگ، مجمع چین و کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب، سازوکار همکاری چین و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، مجمع توسعه و همکاری اقتصادی چین و کشورهای جزایر اقیانوس آرام و غیره، نقش مهمی در توسعه روابط چین با کشورهای این مناطق داشته‌اند (Garlick, 2020: 5).

در طی سال‌های اخیر چین به واسطه رشد فزاینده اقتصادی و در راستای امنیت‌سازی، نوسازی نظامی را دستور کار قرار داده است. نوسازی که باعث افزایش چشمگیر بودجه نظامی و ارتقای توان تسلیحاتی و نظامی چین شده است. چین دو راهبرد در راستای سیاست حداکثرسازی موقعیت نظامی خود در پیش گرفت؛ نخست، انجام توافقات و رزمایش‌های نظامی با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل. در این راستا انجام رزمایش‌هایی با عنوان صلح با کشورهای عضو شانگهای، بزرگترین فعالیت نظامی و امنیتی چین بوده است (مرادی افرایی و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۳۴). دوم، اتخاذ استراتژی رشته مروارید^۳؛ چین با استراتژی رشته مروارید در صدد است با ایجاد زنجیره‌ای از بنادر راهبردی در اقیانوس هند، ضمن ایجاد بسترهای لازم برای توسعه پایگاه‌های نظامی از آفریقا تا آسیای جنوب شرقی، امنیت ترانزیت کالاهایش را تضمین کند (Gill, 2020: 8).

از سویی بنادر چین در اقیانوس هند، این امکان را به پکن می‌دهد که از آن‌ها به عنوان پایگاه نظامی استفاده کند. مشارکت دولت‌های آسیایی و آفریقایی هم‌چون کنیا، جیبوتی، پاکستان و میانمار نگرانی‌هایی را برای قدرت‌های منطقه در جهت افزایش نفوذ دریایی و تقویت شبکه‌های نظامی چین به وجود آورده است (تویسرکانی، ۱۳۹۸: ۱۶). در همین راستا، چین در سال ۲۰۱۷ اولین پایگاه نظامی خود را خارج از چین و در جیبوتی افتتاح کرد (Golam et al, 2019: 11).

در مجموع چین با طراحی پروژه‌های بزرگ و پیچیده‌ای مانند ابتکار یک کمربند- یک راه در سال‌های اخیر تلاش کرده نفوذ خود را در مناطق حساس و راهبردی افزایش دهد؛ به طوری که در دوران شیوع ویروس کرونا، چین با اتخاذ جاده ابریشم سلامت، در قالب ارسال تجهیزات و کمک‌های بهداشتی، نفوذ خود را در منطقه و نظام بین‌الملل توسعه بخشید. تلاش برای هژمون‌گرایی چین واکنش هند رقیب منطقه‌ای این کشور را به دنبال داشته و دهلی نو در صدد بوده با اتخاذ سیاست‌هایی هژمونی چین را به چالش بکشد.

3. String of pearls strategy

۳. سیاست‌های هند در قبال هژمونی چین

هند برای مقابله با سیاست هژمون‌گرایی چین و تهدید اقدامات آن کشور سیاست‌هایی را در دستور کار خود قرار داده است که در ادامه مختصر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

۳-۱. افزایش همکاری با آمریکا در منطقه اقیانوس هند

بر اساس سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است، نفوذ چین در منطقه هندوپاسفیک و نظم نوین اقتصادی این کشور مهم‌ترین تهدید علیه آمریکا می‌باشد (کرمی و شاه محمدی، ۱۳۹۸: ۱۴۵). به همین دلیل آمریکا هند را مهم‌ترین بازیگر توازن‌بخش منطقه در برابر رشد روزافزون چین به حساب آورده (Zamaraeva, 2018:62) و هم‌زمان تلاش کرده تا حضور نظامی خود را در اقیانوس هند و دریای چین جنوبی گسترش دهد (درج و بصیری، ۱۴۰۰: ۲۵۰). از این رو چین نگران است که همکاری‌های امنیتی و نظامی هند و آمریکا، ضمن افزایش موقعیت آمریکا در منطقه، محدودیت‌هایی را برای محموله‌های چین در آینده به وجود آورد؛ به ویژه که این کشور به شدت به واردات مواد غذایی و مواد اولیه وابسته است (Alikberov&etc, 2020: 76).

سیاست ائتلاف‌سازی آمریکا با محوریت هند علیه چین مانع جدی در مسیر افزایش قدرت هژمونی پکن است. در این راستا هند و آمریکا سالانه رزمایش دریایی مشترک با عنوان «مالابار» در سطح اقیانوس هند برگزار می‌کنند (Choudhury, 2018: 316). هم‌چنین در نوامبر ۲۰۱۷ گفتگوی امنیتی چهار ضلعی مبتنی بر اتحاد چهارجانبه از کشورهای دموکراتیک هند، ژاپن، آمریکا و استرالیا با هدف مقابله نظامی و دیپلماتیک با چین تشکیل شد. تلاش آمریکا در جهت توسعه توان نظامی و هسته‌ای و افزایش نقش آن در مناسبات منطقه‌ای از موانع مهم دیگر برای هژمونی چین است (Kireeva, 2020: 97). هم‌چنین آمریکا در سال ۲۰۱۱ در راستای مقابله با پروژه یک کمربند-یک راه، طرح «جاده ابریشم جدید» را پیشنهاد کرد. طرحی که هند را از طریق افغانستان به آسیای مرکزی متصل می‌کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است هند در صدد احیای آن است (Purushothaman& Unnikrishnan, 2019: 79). به نظر می‌رسد دهلی نو از طریق توسعه روابط با آمریکا، نقش تعیین‌کننده‌ای در توازن منطقه‌ای مقابل چین به دست آورده است.

تنش‌های اخیر آمریکا و چین در عرصه بین‌المللی نیز سطح مناسبات فعلی دهلی نو و واشنگتن

را از سطح عادی به سمت راهبردی شدن سوق داده است. بنابراین، تهدیدات ناشی از قدرت چین در منطقه و نظام بین‌الملل برای آمریکا و هند، باعث توسعه روابط دو کشور به منظور موازنه‌سازی در برابر پکن شده است. از این رو هند با قابلیت‌های اقتصادی، جمعیتی و نظامی بهترین گزینه برای آمریکا در مهار نفوذ چین است.

۲-۳. توسعه مناسبات با کشورهای مخالف هژمونی چین

با روی کار آمدن نارندا مودی در هند، منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای در چارچوب سیاست نخست همسایگی و عمل به شرق، به اولویت دستگاه دیپلماسی تبدیل شد (Song, 2021: 910). به طوری که مودی در مراسم تحلیف نخست‌وزیری خود از همه کشورهای همسایه به ویژه پاکستان دعوت به عمل آورد. هم‌چنین با اولین سفر رسمی خود به کشور بوتان، سیاست همسایگی فعال و عمل‌گرایانه را آغاز کرد (Aryal, 2021: 3). پیوندهای تاریخی و فرهنگی هند با کشورهای جنوب و جنوب‌شرقی آسیا فرصتی به مودی داد که از آن به عنوان برگ برنده برای نفوذ در این کشورها استفاده کند. در این راستا در دوازدهمین اجلاس هند-آسه‌آن در نوامبر ۲۰۱۴، مودی از «سیاست عمل به شرق» رونمایی کرد. سیاستی که بر توسعه اتصال‌های منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی با کشورهای منطقه استوار است (Yhome, 2016: 77). در همین رابطه، توسعه روابط هند با کشورهای مخالف چین در راستای سیاست عمل به شرق و چندجانبه‌گرایی، می‌تواند برای هژمونی چین در منطقه محدودیت‌هایی به وجود آورد.

نفوذ سیاسی و اقتصادی پکن در شرق آسیا و اختلافات مرزی حل نشده در دریای چین شرقی، موجبات نگرانی شدید سیاست‌مداران ژاپنی را فراهم آورده و ژاپن را به مقابله با هژمونی چین سوق داده است (Golam & etc, 2019: 8). لذا هند و ژاپن به دلیل رفتار تفوق‌جویانه چین در منطقه هند و اقیانوس آرام به توسعه روابط با یکدیگر پرداخته‌اند. به طوری که از سال ۲۰۰۰ تا کنون همکاری‌های نظامی و اقتصادی دو کشور به طور قابل توجهی گسترش یافته است (Kireeva, 2020: 94). هم‌چنین، در سال ۲۰۱۶ توافق‌نامه نظامی در خصوص تبادل لجستیک نظامی و استفاده از پایگاه‌های نظامی یکدیگر، بین دو کشور به امضاء رسید (Kashnikova, 2017: 70). علاوه بر این، هند و ژاپن در جهت مقابله با پروژه یک کمربند-یک راه، به ساخت چندین پروژه زیربنایی در ایران، سریلانکا و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا پرداخته‌اند (Purushothaman &

(Unnikrishnan, 2019: 78).

هند روابط خود را با ویتنام، که مخالف تبدیل شدن چین به قدرت برتر در شرق آسیا است را توسعه بخشیده است. هند و ویتنام در مارس ۲۰۱۸ به منظور توازن قدرت در منطقه، به همکاری‌های نظامی و فنی پرداخته‌اند (Балакин, 2018: 39). در سال ۲۰۱۹ هند در استخراج نفت در آب‌های مورد مناقشه دریای جنوب چین به کمک ویتنام شتافت. ویتنام نیز در مقابل به نیروی دریایی هند اجازه استفاده از بندر «نهایت‌رنگ» در جنوب کشور را داد. مغولستان نیز به دنبال کاهش وابستگی خود به چین است. از این رو هند برای بهبود اقتصاد و صنعت مغولستان، به توسعه روابط با این کشور روی آورده است. علاوه بر این موارد هند توسعه روابط دفاعی-نظامی با کره جنوبی را در دستور کار خود قرار داده؛ چرا که سئول هم نگران آسیای تک قطبی به رهبری چین است (Gill, 2020: 14). توسعه روابط هند با کشورهای مخالف هژمونی چین، ضمن نفوذ دهلی‌نو در منطقه، منافع چین را با محدودیت مواجه ساخته است. تحدید قدرت نظامی چین از طریق موازنه‌سازی، محدودیت دسترسی به منابع نفتی در منطقه و کاهش نقش پروژه یک کمربند-یک راه در منطقه از چالش‌های به وجود آمده از سوی هند به وسیله توسعه روابط با کشورهای مخالف هژمونی پکن است.

۳-۳. کاهش نفوذ چین در آسیای مرکزی و اوراسیا

هند با سیاست چندجانبه‌گرایی و همکاری با همه بازیگران منطقه، روابط با کشورهای آسیای مرکزی را توسعه داده تا بتواند ضمن صادرات محصولات خود به اوراسیا، از ایجاد کمربند اسلامی متحد با پاکستان جلوگیری کند. نفوذ هند در آسیای مرکزی به چالشی برای چین تبدیل شده که هند را به توسعه روابط امنیتی و نظامی با کشورهای تاجیکستان، ازبکستان در حوزه‌های مبارزه با تروریسم و آموزش نظامی تشویق کرده است. هم‌چنین هند با ایجاد مرکز مطالعات گاندی در قرقیزستان، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی آسیای میانه و ارسال محصولات دارویی و فناوری، جایگاه قابل توجهی در آسیای مرکزی به دست آورده است (Кузнецова, 2008: 53-54). با وجود آن‌که کریدور اقتصادی چین-پاکستان زمینه نفوذ چین را در آسیای مرکزی فراهم می‌کند، اما هند جدایی‌طلبان بلوچ در پاکستان را به سمت تحریم این کریدور سوق داده است (Замараева, 2018:65). یکی از اولویت‌های اقتصادی چین دسترسی به بازارهای کشورهای

اتحادیه اوراسیا است و این درحالی است که هند دومین شریک تجاری کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا محسوب می‌شود. به همین دلیل هند با کمک روسیه در تلاش است که یک موافقتنامه آزاد تجاری بین این کشور و اوراسیا بسته شود. بر همین اساس کریدور شمال-جنوب و کریدور حمل و نقل دریایی «چنای-ولادیرستوک»^۴ برای توسعه تجارت بین هند و کشورهای اوراسیا در نظر گرفته شده است (Агапова & Кхатри, 2021:15).

هند در سال ۲۰۱۶ با توافقنامه نوسازی بندر چابهار و ایجاد کریدور هند-ایران-افغانستان ضربه دیگری به پروژه یک کمربند-یک راه به ویژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان وارد کرد. هند به دنبال آن بود که از طریق ایران به افغانستان و آسیای میانه نفوذ پیدا کند (Замараева, 2018, p.64). به این منظور در فوریه ۲۰۱۹ تفاهم‌نامه‌ای بین هند و روسیه در خصوص عملیاتی ساختن کریدور شمال-جنوب امضا شد. این کریدور نتیجه تحکیم روابط میان ایران و روسیه از یک سو و هند و ایران از سوی دیگر بوده که بر اساس آن، قرار است کالاهای هندی از اقیانوس هند و خلیج فارس به دریای خزر و سپس به منطقه اوراسیا ترانزیت شود و ایران نقش مهمی در توسعه و عملیاتی کردن این کریدور ایفا کرده است (تویسرکانی، ۱۳۹۸: ۴).

بنابراین پستن هند به اتحادیه اوراسیا این امکان را به دهلی نو می‌دهد که برای ارسال محصولات خود، از اتصال کریدورهای حمل و نقل اعضای اتحادیه اوراسیا بهره گیرد. از آنجا که نفوذ در آسیای مرکزی و اوراسیا از اولویت‌های پروژه یک کمربند-یک راه چین است، حضور هند در این مناطق منافع چین را با تهدید مواجه می‌کند. از آنجا که روسیه و قدرت‌های منطقه از هژمونی چین در نظام بین‌الملل در هراس‌اند؛ با توسعه روابط با هند به دنبال ایجاد توازن در منطقه هستند.

۴-۳. توسعه زیرساخت‌های هند در ایالات مورد مناقشه مرزی

از آنجا که هند و چین درگیری‌ها و اختلاف مرزی تاریخی دارند؛ توسعه زیرساخت‌ها و احداث جاده توسط چین در ایالات مرزی آروناچال‌پرداش و آکسای چین و منطقه تبت، منافع و امنیت هند را با تهدید روبه‌رو کرده است. به طوری که در ژوئن ۲۰۲۰ در منطقه مرزی دوکلام^۵ بین دوکشور درگیری‌های شدیدی صورت گرفت (Kaura, 2020:503). در این راستا، هند به منظور تقویت و

4. Chennai- Vladivostok Maritime Corridor
5. Doklam

ایجاد زیرساخت در چارچوب سیاست عمل به شرق و جلوگیری از نفوذ چین، به رایزنی با ایالات جامو و کشمیر^۶، آروناچال پرداش^۷، سیکیم^۸، هیمالچال پرداش^۹ و اوتاراخاند^{۱۰} پرداخته؛ به طوری که در سال‌های اخیر، ساخت شبکه ریلی بیلانس پور-مانالی-له^{۱۱} به طول ۴۹۸ کیلومتر در منطقه جامو و کشمیر و هیمالچال پرداش را در دستور کار خود قرار داده است. در مناطق مرزی نیز قرار است پروژه‌های ریلی میساماری-تنگا-تاوانگ^{۱۲}، سیلاپاتار-بام-لاخیمپور شمالی^{۱۳} و پاسیقات-تسو-روپای^{۱۴} را آغاز کند. ساخت پل دهولا-سادیا^{۱۵} یکی از اقدامات راهبردی هند در مناطق مرزی با چین است که می‌تواند ارتباطات نظامی و غیرنظامی از آسام به آروناچال پرداش را تسهیل نماید (Blah, 2018: 323-324).

بنابراین، هند با توسعه زیرساخت‌ها، ضمن محدود کردن توان عملیاتی و نظامی چین در خطوط مرزی، محدودیت‌هایی را برای توسعه شبکه‌های حمل و نقل این کشور به وجود آورده است. از آنجا که هند قصد دارد با توسعه زیرساخت‌ها و جاده‌های استراتژیک، تمام راه‌های ارتباطی در مرزهای خود را به هم متصل کند؛ این اقدامات، می‌تواند نفوذ چین در منطقه هیمالیا را با چالش روبه‌رو کند و هم‌زمان با توسعه زیرساخت‌ها در ایالات مرزی، به عنوان بخشی از سیاست عمل به شرق، به نفوذ منطقه‌ای و ایجاد پیوند بین بخش‌هایی از جنوب و جنوب شرق آسیا بپردازد.

۳-۵. توسعه همکاری‌های نظامی علیه هژمونی چین

در سال‌های اخیر افزایش قدرت چین یکی از محورهای اصلی توسعه مناسبات و همکاری‌های نظامی هند با دولت‌های منطقه و نظام بین‌الملل بوده است. این همکاری‌های نظامی در دو بعد منطقه‌ای و بین‌المللی، منافع و هژمونی چین را با تهدید روبه‌رو کرده است. در بعد منطقه‌ای هند به همکاری نظامی با کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا (سنگاپور، کره جنوبی، ژاپن، ویتنام،

6. Jammu and Kashmir
7. Arunachal Pradesh
8. Sikkim
9. Himachal
10. Uttarakhand
11. Bilaspur-Manali-Leh
12. Missamari- Tenga-Tawang
13. Silapathar-bame- North lakhimpur
14. Pasighat-Tezu-Rupai
15. Dhol-a-Sadiya

سنگاپور و کامبوج) روی آورده که موضوع اصلی این همکاری‌ها در حوزه‌های همکاری لجستیکی، توسعه و استفاده از پایگاه‌های دریایی یکدیگر بوده است. بنابراین توسعه همکاری‌های نظامی هند با کشورهای منطقه ضمن رصد و بازرسی کشتی‌های چینی، امکان ائتلاف نظامی علیه آینده هژمونی چین را هم به وجود آورده است (Gill, 2020: 12-14). به طوری که هند هر دو سال یکبار با هدف دیپلماسی دریایی با حضور ۱۶ نیروی دریایی و گارد ساحلی از منطقه جنوب و جنوب‌شرقی آسیا رزمایش دریایی با عنوان «میلان» برگزار می‌کند (Brewster, 2015: 49).

در بعد بین‌المللی نیز همکاری‌های نظامی قدرت‌های بین‌الملل به ویژه آمریکا با هند به دنبال توازن قدرت نظامی در منطقه بوده و از سویی نیز به معنای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی علیه هژمونی چین به شمار می‌آید. «گفتگوی امنیتی چهارضلعی» نیز بر همین اساس تشکیل شده است (Paul, 2019: 70). به دلیل آنکه قدرت‌های بین‌المللی نگران دستیابی چین به هژمونی منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و برای توازن در منطقه، هند را بهترین بازیگر برای این امر می‌دانند؛ همکاری‌های نظامی با هند یکی از ابزارهای مقاومت آنها در برابر رشد روزافزون چین است که می‌تواند توسعه نظامی پکن در منطقه را با چالش جدی روبه‌رو کند.

۶-۳. سیاست توازن قوای هند در قبال جاده ابریشم چین

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد هند با سیاست عمل به شرق و نخست همسایگی، به اتخاذ سیاست توسعه اتصال‌های منطقه‌ای روی آورده است. این در شرایطی است که کریدورهای حمل و نقل چین به موازات جاده ابریشم، منافع و امنیت هند را با تهدید روبه‌رو کرده؛ به این صورت که با گذر کریدور اقتصادی چین- پاکستان از منطقه مورد مناقشه هند و پاکستان، اقدام چین به معنای به رسمیت شناختن حاکمیت این مناطق توسط پاکستان تعبیر می‌شود.

اهمیت یافتن پاکستان، یعنی دشمن هند، در این پروژه و توسعه قابل توجه شبکه‌های زیرساختی بین چین و پاکستان در چارچوب این کریدور اقتصادی به تهدیدی برای امنیت هند تبدیل شده است (Каменев, 2018: 69). اقدامات موازنه‌ساز هند در قبال جاده ابریشم چین یکی از اهداف توسعه اتصال‌های منطقه‌ای دهلی‌نو است که توانسته ضمن تهدید منافع چین، دستیابی هند به بازارهای پکن را هم فراهم کند. در این زمینه پروژه مشترک هند و ژاپن با عنوان کریدور رشد آسیا- آفریقا یکی اتصال‌های منطقه‌ای ضد منافع چین به حساب می‌آید. این پروژه ضمن توسعه بنادر

دولت‌های منطقه، در صدد اتصال منطقه‌ای بین آفریقا و آسیا است (Golam & etc, 2019: 8). این پروژه، بندر جام نگر^{۱۶} در گجرات هند^{۱۷} را به جیبوتی در خلیج عدن و بندرهای مومباسا^{۱۸} کنیا و زنگبار^{۱۹} تانزانیا را به بندر مادورای^{۲۰} هند و بندر کلکته^{۲۱} را به بندر سیتوه^{۲۲} متصل می‌کند (Blah, 2018: 322-324).

«پروژه چندحالتی کالادان» از راه‌های بین‌المللی همراه با سیاست عمل به شرق و مقابله با جاده ابریشم چین است. این پروژه به دنبال نفوذ در کشور میانمار است به گونه‌ای که هند در سال‌های اخیر با نوسازی بندر سیتوی میانمار و سرمایه‌گذاری، پروژه را به مرحله نهایی رسانده است (Rao, 2019: 253). هند به دو دلیل عمده در پی تحقق این پروژه است؛ نخست اتصال دریایی بندر کلکته هند به بندر سیتوی در میانمار به دنبال سیاست نخست همسایگی و دوم، سهولت در حمل و نقل کالا به شمال شرق هند. این پروژه در نظر دارد که بندر سیتوی را از طریق رودخانه کالادان به شهر پالتوا^{۲۳} میانمار و از آنجا به صورت راه زمینی به ایالت میزورام^{۲۴} در شمال شرق هند متصل کند (Purushothaman & Unnikrishnan, 2019: 73).

کریدور اقتصادی مکنونگ- هند از جمله راهبردهای هند در راستای سیاست عمل به شرق و نخست همسایگی است که شهر هوشی مین ویتنام^{۲۵}، داوی^{۲۶} میانمار، بانکوک تایلند، پنوم پن^{۲۷} کامبوج را به چنای^{۲۸} هند متصل می‌کند. (Mishra & Haldar, 2020: 469). علاوه بر این توسعه کریدور شمال- جنوب، راه ادویه و بزرگراه هند- میانمار- تایلند از جمله راهبردهای هند در این زمینه بوده است که توانسته نفوذ چین در مناطق دیگر را با محدودیت روبه‌رو کند (Purushothaman & Unnikrishnan, 2019: 72-76).

16. Jamnagar
17. Gujarat
18. Mambasa
19. Zanzibar
20. Madurai
21. Kalkata
22. Sittwe
23. Paletwa
24. Mizoram
25. Hochi minh City
26. Dawei
27. Phnom penh
28. Chennai

کمک شایانی به نفوذ این کشور در منطقه اقیانوس هند کرده است. مودی بر این امر واقف است که حضور بیش از یک پنجم جمعیت جهان در منطقه جنوب و جنوب شرقی آسیا می تواند به یک عامل قدرت تجاری و اقتصادی هند تبدیل شود.

۷-۳. کاهش نفوذ چین در بنادر کشورهای ساحلی

چین با ایجاد زنجیره‌ای از بندرهای راهبردی در اقیانوس هند، نفوذ اقتصادی خود را در کشورهای همسایه هند و آفریقا افزایش داده است و این امکان را به چین داده که از آن‌ها به عنوان پایگاه نظامی استفاده کند (Gill, 2020: 8). لذا نفوذ اقتصادی و تبدیل شدن این بنادر به پایگاه‌های نظامی نگرانی‌هایی را برای هند به وجود آورده که بر همین اساس و در جهت توسعه روابط اقتصادی و مقابله با هژمونی چین، دهلی نو نفوذ در بنادر کشورهای ساحلی را اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است.

از آنجا که داشتن سیستم بندری کارآمد و پیشرفته، لازمه نفوذ در بنادر کشورهای ساحلی است، هند با انجام پروژه ساگرمالا^{۲۹} به نوسازی بنادر، یکپارچه‌سازی شبکه‌های حمل و نقل و صنعتی-سازي بنادر از طریق خوشه‌های صنعتی پرداخته است. هند سه راهبرد را برای نفوذ در بنادر کشورهای ساحلی در دستور کار قرار داد؛ نخست نوسازی بنادر کشورهای ساحلی منطقه شبه‌قاره؛ که بر همین مبنا هند به نوسازی بندرکانکسانثورای^{۳۰} سریلانکا و بندر سیتوی میانمار پرداخته است (Rao, 2019: 247-253). دوم، همکاری با قدرت‌های منطقه نظیر ژاپن جهت نوسازی و نفوذ در بنادر کشورهای ساحلی؛ که با همراهی ژاپن قرار است بندر دریایی ترینکومالی سریلانکا و بندر داوی میانمار را توسعه دهند (Blah, 2018: 322). سوم، توافق نامه با دولت‌ها جهت بهره‌برداری از بنادر آن‌ها؛ در این زمینه توافق‌های اخیر به منظور استفاده از بنادر عمان و سیشل و جزیره‌های اقیانوس هند، قدرت جدیدی به پروژه اتصال دریایی هند بخشیده است (Mishra & Haldar, 2020: 471).

هم‌چنین هند طبق موافقت‌نامه ۲۰۱۶ با ایران، سرمایه‌گذاری، نوسازی و بهره‌برداری از بندر چابهار را در سال ۲۰۱۹ عملیاتی کرد (حاجی یوسفی و ناروئی، ۱۴۰۰: ۶۲). اتصال‌های دریایی هند و

29. Sagarmala Project
30. Kankesanthurai

نفوذ در بنادر کشورهای ساحلی، عرصه را برای حضور نظامی و اقتصادی چین در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تنگ کرده و چالش‌هایی را برای هژمونی آن کشور به وجود آورده است؛ به شکلی که در سال‌های اخیر، هند و چین نفوذ خود را در بنادر دریایی منطقه تقسیم کرده‌اند.

۸-۳. تضعیف قدرت نرم چین در منطقه

سیاست‌های منطقه‌ای هند مقدمات تضعیف قدرت نرم چین در منطقه را فراهم کرده است. آیین بودا در بسیاری کشورهای جنوب شرقی آسیا با هویت ملی و میراث فرهنگی آن‌ها گره خورده است، از این رو مودی تلاش کرده با برجسته کردن ارتباط بودایی بین این کشورها، ائتلاف نرمی را در قبال چین ایجاد کند. در این رابطه، مودی با استفاده از قدرت نرم، به نزدیکی و توسعه روابط با کشورهای ویتنام، سریلانکا و نپال پرداخته است. هم‌چنین هند با تاسیس مراکز آموزش و میزبانی جشن جهانی بودایی، نزدیکی بیشتری به این کشورها را بخشیده؛ این درحالی است که اقدامات هند و تخریب آثار باستانی بودایی تبت توسط چین، قدرت نرم آیین بودای پکن را خدشه دار کرده است (Mazumdar, 2018: 474-475).

هند با سیاست‌های عمل به شرق و چندجانبه‌گرایی به دنبال نقش خود به عنوان مرکز تجارت و تبادلات فرهنگی در اقیانوس هند است. هند در جهت دستیابی به این اهداف، «پروژه موسم»^{۳۱} را در دستور کار خود قرار داده است. این پروژه بسیاری از کشورهای آسه‌آن را در بر می‌گیرد (Bhalla, 2020: 362-365). اتصال منطقه‌ای و توسعه روابط با شرکای باستانی خود در حوزه‌های شرق آفریقا، شبه جزیره عربستان، ایران، کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی در چارچوب این پروژه تعریف شده است (Pillalamarri, 2014).

هند با افزایش تبادلات فرهنگی در اقیانوس هند به برگزاری نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی نظیر نمایشگاهی با موضوع آفریقایی‌ها در هند، کنفرانس شبه قاره هند، کنفرانس مسیرهای دریایی و مناظره فرهنگی و چاپ نشریه «موسم» کرده و هم‌زمان تلاش نموده این روابط فرهنگی را زمینه ساز توسعه تجارت قرار دهد (Sharma, 2018). تاکید هند بر پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی در روابط با کشورهای منطقه، قدرت نرم تاریخی جاده ابریشم را تضعیف کرده است. در سال‌های اخیر مودی با بازسازی مسیر تاریخی راه ادویه و توسعه پروژه موسم، ضمن افزایش چهره

تمدنی هند در منطقه، نقش تاریخی جاده ابریشم را به حاشیه کشانده است.

نتیجه‌گیری

هند روند روزافزون قدرت چین را مهم‌ترین تهدید منطقه‌ای خود به حساب می‌آورد؛ از این رو سیاست موازنه سازی را در برابر هژمونی چین اتخاذ نموده است. هند برای موازنه‌سازی در برابر قدرت هژمونیک پکن، سیاست‌ها و الگوی‌های رفتاری گوناگونی را در دستور کار دستگاه دیپلماسی خود قرار داده از جمله ترویج این اعتقاد که کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل جهت موازنه‌سازی در برابر هژمونی چین، نیاز به هند دارند. سیاست عدم‌تعهد و عمل به شرق دهلی نو زمینه‌ای را به وجود آورد که آمریکا و کشورهای مخالف هژمونی چین، حمایت از هند را بهترین گزینه در برابر قدرت روزافزون چین بدانند در حالی که هند به تنهایی توانایی لازم برای مقابله با هژمونی چین را ندارد. از این رو توسعه روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه دولتمردان این کشور قرار گرفته است و تمرکز بر ظرفیت‌های همسایگی و تقویت مناسبات استراتژیک با کشورهای آسیای جنوب شرقی از طریق پیوندهای تاریخی و فرهنگی در اولویت سیاست‌گذاری منطقه‌ای قرار گرفت.

هم‌زمان هند در تلاش بوده با تشکیل ائتلاف منطقه‌ای و بین‌المللی محدودیت‌هایی را برای هژمونی چین ایجاد کند. گفتگوهای امنیتی چهارضلعی و برگزاری رزمایش مشترک در منطقه به همین علت شکل گرفت. علاوه بر این، در چارچوب موازنه‌سازی، هند به دنبال مدیریت تقابل چین و آمریکا به نفع اهداف و منافع خود در منطقه و نظام بین‌الملل است. در حقیقت، نیاز آمریکا به هند برای موازنه‌سازی با هژمونی چین، فرصتی را برای هند به وجود آورد تا از طریق همکاری با آمریکا، منافع ژئواستراتژیک خود را در منطقه را هم‌تأمین کند. رهبران هند با آگاهی از نقش مهم این کشور در حفظ و توسعه منافع آمریکا در منطقه اقیانوس هند از یک سو و توجه به نگرانی واشنگتن از هژمونی چین و تنش‌های این دو کشور در سال‌های اخیر از سوی دیگر، سعی کرده‌اند از ظرفیت‌های گوناگون آمریکا در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرده و محدودیت‌هایی را در مسیر هژمونی چین ایجاد نمایند.

تقابل چین و ژاپن موجب شد که هند در عرصه بین‌الملل امتیازاتی را از ژاپن دریافت کند؛ به طوری که ژاپن در پروژه‌های منطقه‌ای هند به سرمایه‌گذاری پرداخته است. در ماه‌های اخیر و با آغاز تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و ترس مقامات روسی از هژمونی چین، مناسبات مسکو و دهلی نو

بیش از پیش تقویت شده است. به گونه‌ای که در بحران اخیر اوکراین، هند به همه قطعنامه‌های سازمان ملل علیه روسیه رای ممتنع داده است.

سیاست‌های نارنندا مودی در مواجهه با هژمونی چین را می‌توان در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار داد. در سطح منطقه‌ای، هند با سیاست عمل به شرق و نخست همسایگی توانسته است ضمن گسترش نفوذ خود در منطقه جنوب‌شرقی آسیا، محدودیت‌هایی را هم برای هژمونی چین در ابعاد سیاسی و نظامی و به طور خاص پروژه یک کمربند- یک راه به وجود آورد. در سطح بین‌الملل نیز، دهلی نو از طریق سیاست عدم‌تعهد و چندجانبه‌گرایی ضمن ارتقای توان نظامی، هسته‌ای و اقتصادی، حضور قدرت‌های مخالف هژمونی چین را در منطقه اقیانوس هند افزایش داده است. از طرفی هند در تلاش بوده تا از طریق ایجاد و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای، یک ائتلاف قدرتمند به رهبری خود در منطقه اقیانوس هند ایجاد کند. با این حال، بر خلاف این که سیاست‌های مودی تا حدودی توانست موانعی را برای هژمونی چین به وجود آورد اما هند به طور کامل قادر به مقابله با هژمونی چین نیست. پروژه یک کمربند- یک راه، به همراه جاده ابریشم دیجیتال و سلامت، خود حاکی از تلاش‌های گسترده چین برای حفظ جایگاه و میل به هژمونی این کشور در سطح منطقه و نظام بین‌الملل است.

منابع

۱. برچیل، اسکات و دیگران (۱۳۹۱). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران، نشر میزان.
۲. گریفیتس، مارتین (۱۳۹۱). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷). *مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، تهران، سمت*.
۴. والتز، کنت (۱۳۸۲). *واقع‌گرایی ساختاری پس از جنگ سرد*، تهران، ابرار معاصر.
۵. توپسرکانی، محمد (۱۳۹۸). «راه ادویه جدید، رقیب منطقه‌ای راه ابریشم جدید»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*. ۲۵ (۱۰۵)، صص ۳۸-۱.
۶. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و هادی ناروئی (۱۴۰۰). «ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و چشم‌انداز همکاری ایران و هند در چابهار»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۱۷ (۳)، صص ۸۷-۶۱.

۷. چگنی‌زاده، غلامعلی (۱۳۹۲) «موازنه قوا و روابط راهبردی چین با ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه روابط خارجی. ۲۰ (۴)، صص ۲۶۳-۲۲۷.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مرادی، منوچهر (۱۳۹۴) «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی- ایران فدراسیون روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۱ (۸۹)، صص ۹۱-۶۵.
۹. درج، حمید و بصیری، محمدعلی (۱۴۰۰) «تاثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. ۵۳ (۱)، صص ۲۶۴-۲۴۳.
۱۰. سیمبر، رضا و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۶) «تحولات نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و تنوع جدید موازنه قوا»، سیاست و روابط بین‌الملل. ۱ (۱)، صص ۵۱-۳۳.
۱۱. کاوه، علی و دیگران (۱۴۰۰) «ابتکار راه ابریشم و هژمونی چین در آسیای مرکزی»، مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱۴ (۱)، صص ۹۸-۷۵.
۱۲. کریمی، جهانگیر و شاه‌محمدی، پریسا (۱۳۹۸) «هژمونی، ژئوپلتیک و مناسبات چین- آمریکا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۵ (۱۰۵)، صص ۱۶۰-۱۳۳.
۱۳. کمالی اردکانی، مسعود (۱۴۰۰) «فرایند الحاق چین به سازمان تجارت جهانی»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی. ۴ (۴)، صص ۷۱۲-۶۸۱.
۱۴. مرادی افرایلی، عیسی و کیوان حسینی، اصغر (۱۳۹۸) «چین و سیاست حداکثرسازی موقعیت؛ باتأکید بر مؤلفه‌های امنیتی - نظامی»، مجله سیاست دفاعی. ۲۷ (۱۰۸)، صص ۱۱۷-۱۴۳.
۱۵. نیاکوئی، سیدامیرو صفری، عسگری (۱۳۹۷) «الگوی رفتاری روسیه در نظام بین‌الملل: تلاش برای دستیابی موازنه قوا مطلوب (۲۰۱۴-۲۰۱۸)»، آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۴ (۱۰۳)، صص ۱۲۹-۱۰۱.

16. Aryal, S. K. (2021). India's "Neighbourhood First" policy and the Belt & Road Initiative (BRI). *Asian Journal of Comparative Politics*, No.1, 1-13. <https://doi.org/10.1177/20578911211014282>
17. Bhalla, Madhu (2020). Thinking About the Indian Ocean and the Mausam Initiative. *India Quarterly: A Journal of International Affairs*, 76(3), 361-374.
18. Blah, Montgomery (2018). China's Belt and Road Initiative and India's Concerns. *Strategic Analysis*, 42 (4), 313-332.
19. Brewster, David (2015). An Indian Ocean dilemma: Sino-Indian rivalry and China's strategic vulnerability in the Indian Ocean. *Journal of the Indian Ocean Region*, 11(1), p.p 48-59.

20. Choudhury, Avinandan (2018), "Strategic-Maritime Triangle in the Indian Ocean: An Emerging Indo-US Naval Entente?", **India Quarterly: A Journal of International Affairs**, 74(3), 305-325.
21. Eilstrup Sangiovanni, M. (2009). The End of Balance-of-Power Theory? A Comment on Wohlforth et al.'s `Testing Balance-of-Power Theory in World History. **European Journal of International Relations**, 15(2), 347-380.
22. Garlick, Jeremy (2020). The Regional Impacts of China's Belt and Road Initiative. **Journal of Current Chinese Affairs**, 49(1), 3-13.
23. Griffiths, M (1992). Realism, Idealism and international politics. **newyork and London, routledge**.
24. Gill, Don McLain (2020). Between the Elephant and the Dragon: examining the Sino-Indian competition in the Indian Ocean. **Journal of the Indian Ocean Region**, 1-19.
25. Kaura, Vinay (2020). India's Relations with China from the Doklam Crisis to the Galwan Tragedy. **India Quarterly: A Journal of International Affairs**, 76(4), 501-518.
26. Mazumdar, Arijit (2018). India's soft power diplomacy under the Modi administration: BUDDHISM, DIASPORA and YOGA. **Asian Affairs**, 49:3, 468-491, 49(3), 468-491.
27. Mishra, Vivek & Sayantan Haldar (2020). Emerging Contours of Contemporary Asian Maritime Connectivity. **Economic and Strategic Objectives**, 76(3), 461-478.
28. Ohashi, Hideo (2018). The Belt and Road Initiative (BRI) in the context of China's opening-up policy. **Journal of Contemporary East Asia Studies**, 7(2), 85- 103.
29. Paul, Joshy M. (2020). India-Japan maritime security cooperation: Secondary states' soft balancing in the Indo-Pacific. **Maritime Affairs: Journal of the National Maritime Foundation of India**, 15(2), 59-77.
30. Pillalamarri, Akhilesh (18 sep 2014). Project Mausam: India's Answer to China's 'Maritime Silk Road. <https://thediplomat.com>
31. Purushothaman, Uma & Nandan Unnikrishnan (2019). A Tale of Many Roads: India's Approach to Connectivity Projects in Eurasia. **India Quarterly: A Journal of International Affairs**, 75(1), 69-86.
32. Rao, P. V. (2019). Development through connectivity': India's maritime narrative. **Journal of the Indian Ocean Region**, 15(3), 245-264.
33. Rolland, Nadège (2017). China's "Belt and Road Initiative": Underwhelming or Game-Changer? **The Washington Quarterly**, 40(1), 127-142.
34. Sharma, Mahesh (17 DEC 2018). Project 'Mausam' extended up to 2020 with the pre-approved fund of Rs 60,039,297. <https://pib.gov.in/PressReleasePage.aspx?PRID=1556234>
35. Sheehan, Michael (2005). The balance of power, history and theory. **newyork and London, routledge**.
36. Song, Tang (2021). Scholarship diplomacy and India's Neighbourhood First strategy. **International Journal of Cultural Policy**, 27(73), 905-919.

37. Waltz, Kenneth (2000). Structural Realism after the Cold War. *International Security*, 25(1), 5-41.
38. Waltz, Kenneth (1979). *Theory of international politics*. Addison-Wesley.
39. Yhome, Khriezo (2016). **Modi's 'Act East' begins in Myanmar, In Aryaman Bhatnagar and Ritika Pass (Eds.)**, Neighbourhood First: Navigating Ties Under Modi (pp.75-84), Vinset Advertising, Delhi: GP-ORF Series.
40. Yu, Hong (2017). Motivation behind China's 'One Belt, One Road' Initiatives and Establishment of the Asian Infrastructure Investment Bank. **Journal of Contemporary China**, 26(107), 353-368.
41. Агапова А.В., & Кхатри Т. (2021). АНАЛИЗ КЛЮЧЕВЫХ ПОКАЗАТЕЛЕЙ РОССИЙСКО-ИНДИЙСКИХ ВНЕШНЕТОРГОВЫХ ОТНОШЕНИЙ. **Бюллетень инновационных технологий**, №2 (18), С.15-19.
42. Аликберов Эдуард Шабанович, & Аликберова Альфия Рафисовна (2020). КИТАЙСКО-ИНДИЙСКИЕ ОТНОШЕНИЯ НА СОВРЕМЕННОМ ЭТАПЕ: ОБЗОР. **Политологические науки**, № 2 (4), С. 71-79.
43. Балакин Вячеслав Иванович (2018). Ситуационное взаимодействие Индии, Японии и Вьетнама против Китая в АТР. **Юго-Восточная Азия: актуальные проблемы развития**, № 3 (40), С.36-47.
44. Голам Тимур Бакиевич, Евневич Всеволод Владиславович, & Худайкулова Александра Викторовна (2019). Стратегическое соперничество Индии и Китая в бассейне Индийского океана в XXI веке. **Конфликтология / nota bene**, № 4, С.1-13.
45. Замараева Н.А. (2018). Индия и проект Китайско-пакистанского экономического коридора. **Восточная аналитика**, № 3, С. 60-66.
46. Кашникова Валерия Игоревна (2017). Нарендра Моди и Владимир Путин - архитекторы международных отношений. **Азимут научных исследований: экономика и управление**, № 1 (18), С. 244-247.
47. Каменев С.Н. (2018). Китайско-пакистанский экономический коридор и вопросы региональной безопасности. **Восточная аналитика**, № 3, С. 67-81.
48. Киреева Анна Андреевна (2020). Япония и Индия: стратегическое партнерство на Индо-Тихоокеанском пространстве. **Восточная Азия: прошлое, настоящее, будущее**, № 7, С. 91-102.
49. Кузнецова, С. И. (2008). 2008. 04. 013-015. Геополитическая стратегия Индии и Китая относительно Центральной Азии. **Социальные и гуманитарные науки. Отечественная и зарубежная литература. Сер. 9, Востоковедение и африканистика: Реферативный журнал**, № 4, С. 51-61.